

فریز دیپلماسی انرژی!

صفحه ۱۶

آمار قربانیان سیل به ۷ نفر رسید

صفحه ۴

سه‌شنبه ۲۶ فروردین ۱۳۹۵ | ۱۱ رجب ۱۴۲۷ | ۱۹ آوریل ۲۰۱۶ | سال هشتم | شماره ۱۸۶۳ | ۱۶ صفحه | ۱۰۰۰ تومان

تیتراهای امروز

گفت‌وگوی «وطن امروز» با دکتر فؤاد ایزدی درباره اهمیت نیویورک در روند انتخابات مقدماتی ریاست‌جمهوری ایالات متحده

غیرعادی‌ترین انتخابات آمریکا

■ مردم آمریکا نسبت به سیاستمداران بدبین شده‌اند و دنبال کسی می‌گردند که سیاستمدار نباشد



صفحه ۱۵

جریانی که می‌خواهد به زور مجبوری را به استقلال نزدیک کند

بحران از نوع آبی

■ تأکید افشارزاده بر حمایت از مظلومی

صفحه ۱۴

پیشنهاد ایران به عربستان

صدور ویزای حج در سفارت سوییس

صفحه ۴

با ادعای دخالت ایران در کشورهای عربی

اردن سفیر خود را از تهران فراخواند!

صفحه ۲

گزارش

واگذاری شاهره اطلاعات اقتصادی کشور به آمریکا

شاپرک گیت!

محمد سلیمی: شرکت شاپرک، تهیه یکی از مهم‌ترین نرم‌افزارهای زیرساختی خود را به پیمانکار آمریکایی واگذار کرد.

براساس اطلاعات به دست آمده از منابع موثق، شرکت شاپرک تهیه یکی از نرم‌افزارهای حیاتی و زیرساختی خود را که به منظور شناسایی و کشف تقلب در شبکه پرداخت الکترونیکی کشور است به شرکت آمریکایی SAS واگذار کرد.

■ شاپرک چیست؟

شرکت شبکه الکترونیکی پرداخت کارت یا همان شاپرک، شرکتی وابسته به بانک مرکزی است که وظیفه تبادل و نظارت بر اطلاعات تراکنش‌های کارتی و تحول آن به شبکه ملی شتاب را بر عهده دارد. به بیان دیگر، زمانی که یک شهروند با استفاده از کارت بانکی خود، روی یک دستگاه کارتخوان فروشگاهی کارت می‌کشد، یک تراکنش پرداخت شروع می‌شود. این تراکنش شامل اطلاعات شماره کارت مشتری، شماره رمز، مبلغ خرید و شماره دستگاه کارتخوان است. این اطلاعات به صورت رمز شده، از دستگاه کارتخوان به سرور شرکت پرداخت -که مالک دستگاه کارتخوان نیز هست- ارسال می‌شود. در حال حاضر ۱۲ شرکت پرداخت با مجوز بانک مرکزی در کشور فعال هستند. سرور شرکت پرداخت، اطلاعات رمز شده را رمزگشایی و به شیوه دیگری، مجدداً رمزگذاری می‌کند و برای سرورهای شرکت شاپرک ارسال می‌کند. شرکت شاپرک نیز پس از واریس اطلاعات تراکنش، این اطلاعات را به شبکه بانکی یا همان شبکه ملی شتاب ارسال می‌کند تا در نهایت پول از حساب صاحب کارت برداشت شود. در ضمن شرکت شاپرک در بازه‌های زمانی مشخص، اقدام به واریز پول تراکنش‌ها به حساب دارنده دستگاه کارتخوان می‌کند. با این گفتار مشخص می‌شود همه اطلاعات مجرمانه شامل رمز کارت و همچنین همه اطلاعات مالی عموم مردم اعم از خرید کالا و خدمات، پرداخت قیوض، خرید شارژ و مانده‌گیری روی دستگاه کارتخوان، اینترنت، موبایل و... از شبکه شاپرک عبور می‌کند و هرگونه دسترسی غیرمجاز به این اطلاعات می‌تواند خسارت جبران‌ناپذیری به بار آورد.

■ فلسفه وجود شاپرک چیست؟

پس از آن‌که با سهل‌انگاری یکی از شرکت‌های پرداخت، رمز کارت بانکی بیش از ۳ میلیون کارت، روی اینترنت قرار گرفت و لو رفت...

ادامه در صفحه ۵

وطن امروز

■ ۱۱۷۷سال و ۱۲۱روز گذشت

مالیات بر سودسپرده‌ها

صفحه ۱۶

گرد و خاک این بار در شرق

صفحه ۴

VATAN-E-EMROOZ | Vol.08 | No.1863 | Tue, Apr. 19, 2016 | ISSN:2008-2886

یادداشت امروز

تورا به روح برجام!

■ سیدعابدین نورالدینی

آقای محمدجواد ظریف به هفته‌نامه‌اشنپیگل گفته است: «بانک‌های بزرگ برای بازگشت به تجارت با ایران از ترس مجازات‌های بالای آمریکا تردید دارند. ما از ایالات متحده تنها یک درخواست داریم و آن اینکه خود را قاطی و در این کار دخالت نکند. آمریکایی‌ها باید پشت طرح جامع اقدام مشترک بایستند. نیروهای میانه‌رو در دستگاه دولتی ایران به این موفقیت نیاز دارند. ما باید به مردم ایران نشان دهیم این توافق به زحمتش می‌وزیده است. اگر ما می‌خواهیم این توافق در طولانی‌مدت دوام داشته باشد باید برای بیمه آن سرمایه‌گذاری کنیم. این واضح است که مردم ایران می‌خواهند نتیجه توفقی هسته‌ای را ببینند»

خیلی مختصر به چند نکته درباره وضعیت فعلی برجام باید اشاره شود.

نخست اینکه این ادبیات آقای ظریف خارج از محدوده تکالیف دیپلماتیک وی است! درخواست، تمنا، التماس یا هرچه نامش باشد؛ جایی در مناسبات برجامی ایران ندارد! ایران و ۵+۱ بر سر حقوق هسته‌ای کشورمان معامله کرده‌اند. برجام بسند این معامله است. تعهدات طرفین در این بسند بین‌المللی مشخص شده است! مرور متن تعهدات ۵+۱ نشان می‌دهد مزاحمت‌های آمریکا در موضوع سوئیفت، خلاف برجام است. در بند ۲۹ برجام آمده است: «تحدیه اروپایی و دولت‌های عضو و همچنین ایالات متحده، منطبق با قوانین خود، از هرگونه سیاست با هدف خاص تأثیرگذاری منفی و مستقیم بر عادی‌سازی تجارت و روابط اقتصادی با ایران، در تعارض با تعهداتشان مبنی بر عدم اختلال در اجرای موفقیت‌آمیز برجام خودداری خواهند کرد». براساس آنچه ظریف به اشنپیگل گفته است، آمریکایی‌ها اگرچه روی کاغذ تحریم سوئیفت را برداشته‌اند اما در عمل، بانک‌های بزرگ دنیا را از تجارت با ایران منع کرده‌اند! و این یعنی اختلال در عادی‌سازی تجارت با ایران! بنابراین براساس نص توافق، برجام از سوی آمریکایی‌ها نقض شده است. تکلیف آقای ظریف هم «روایت آنچه بر ما می‌رود» نیست! اگر قرار باشد آنچه بر ما می‌رود روایت شود، آقای ظریف قطعاً در جایگاه راوی قرار نمی‌گیرد بلکه باید پاسخگوی وضعیت فعلی باشد! تکلیف آقای ظریف در شرایط فعلی، اعلام نقض برجام از سسوی آمریکا و بردن شکایت به کمیسیون مشترک است! تا هم‌زمان نظام برای اعمال فشار بر طرف آمریکایی تدابیری را به کار بندد. اگر هم خدای ناکرده آقای ظریف معتقد باشد برجام نقض نشده که در این صورت باید رسماً یک فاجعه ملی را در تاریخ امضای برجام در تقویم کشور ثبت کرد!

نکته دوم را بگذارید صریح مطرح شود. برنامه هسته‌ای ایران رو به تعطیلی است. اراک زیر سیمان دفن شد. آزمایشگاه ریززمینی فردو(!) تلخند برنامه هسته‌ای ایران شده است! تلنزن به یک شهربازی هسته‌ای می‌ماند و خبر تازه این‌که معدن سارغند نیز در حال متروکه شدن است. آنچه از این عقب‌نشینی تاریخی به‌دست آمده نیز «تقریباً هیچ» است!

اما «خسارت محضی» از نظر محمدجواد ظریف، به خطر افتادن وضعیت اصلاح‌طلبان در ایران است! این شگرد آقای وزیر امور خارجه است. در سعادت‌آباد اصلاحات، یواشکی در گوش محمد البرادعی به پیامدهای تعلق بر آینده جریان دوم خرداد اشاره کرد! در دولت اعتدال، در پیام ویدئویی قبل از مذاکرات وین سر بسته تبعات شکست سعادت‌آباد را یادآوری کرد! و سرانجام در شورای روابط خارجی آمریکا سفره دل مقابل شرم‌هاله اسفندیاری باز و به گوشه‌ای از تبعات شکست مذاکرات هسته‌ای و وضعیت جریان غربگرا در ایران اشاره کرد! اکنون نیز در شرایطی که برجام زیر تیغ سوئیفت است؛ باز هم وضعیت جریان سیاسی خود را به آمریکایی‌ها یادآوری کرده و از آنها درخواست می‌کند این وضعیت را با حفظ برجام، گارانتی کند!

حالا که دکنتر ظریف در قامت وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، بیمه‌نامه برجام را علنی کرده، بیاید ما هم به اصل ماجرا ناخنک بزنیم!

مطالبات ما از توافق هسته‌ای، به «روح برجام» مربوط می‌شود؛ نه متن آن! متن برجام برای تعطیلی برنامه هسته‌ای ایران انشا شد! تا پس از این گام بلند عقب‌نشینی، مطالبات «روح برجام» روی میز مذاکره قرار گیرد!

ادامه در صفحه ۵



کسی برانیم چند روز پیش امروز

گفت‌وگوی «وطن امروز» با محمد گلریز درباره سرودهای انقلابی و هنر متعهد

از صلابت ملت و ارتش و سپاه ما

■ روایت خواندنی گلریز از ۸۰۰ سروده انقلابی حمید سبزواری «هرگ بر آمریکا، ی سیار و جفا در حق سلحشور

میکائیل دینانی – محمدرضا کردلو: انقلاب در بسیاری از مسائل خود یک استثناست؛ در نوع انقلاب، در رهبران انقلاب و حتی در نحوه ساخت و پرداخت شعارهای انقلاب تا حدی که حتی امروز هم هیچکس نیست که «خمینی‌ای امام» را نداند، همین‌ها بهانه‌ای بود تا به بررسی وضعیت «موسیقی انقلابی» بپردازیم و درباره آثاری که «محمد گلریز» در این حوزه دارد با وی صحبت کنیم اما پیشتر مصاحبه درباره فعالیت سوم شخص غایبی بود که به تعبیر گلریز «اگر اسم او نباشد حرف زدن از سرودهای انقلابی بی‌معنی است»؛ از استاد «حمید سبزواری» گفت و نقش او را در سرودهای انقلابی بیان کرد و گله داشت از اینکه «چرا هیچ مسؤولی پیگیری نمی‌کند تا مجموعه فاخر سرودهای انقلابی ایشان را که بالغ بر هزار اثر است جمع‌آوری کنند و در گنجینه هنر انقلاب محفوظ نگاه دارد». متن زیر گفت‌وگوی «وطن امروز» با محمد گلریز است.

■ درباره ورودتان به عرصه آواز و سرود و البته فعالیت در حوزه موسیقی انقلابی چند کلامی صحبت کنید.

نخستین آشنایی ما با استاد سبزواری مربوط به قبل از انقلاب است. منزل ما نزدیک منزل آقای «غضب» در خیابان ایران نزدیک چهارراه سقابلیش بود. من با ایشان از سال ۵۸ آشنا بودم و در حوزه آواز و آهنگسازی همکاری داشتیم. ما ۳-۴ ماه قبل از انقلاب با آقای راغب نشستیم تا درباره انقلاب کاری بکنیم. می‌دانستیم که باید کلام انقلاب باشد اما نمی‌دانستیم دقیقاً چه

سرودی و چه وزنی داشته باشد، با هم رفتیم در راهپیمایی تا ببینیم می‌توانیم از شعارها الهام بگیریم که شعار «الله‌اکبر خمینی‌رهبر» توجهمان را جلب کرد، همین را خدمت استاد سبزواری گفتیم، ایشان هم با الهام از این شعار سرود «خمینی‌ای امام» را سرودند و از آن پس نزدیکی من با استاد بیشتر شد و توفیق داشتم بسیاری از سرودهای ایشان را در قالب آواز انقلاب عرضه کنم.

■ استقبال از سرودهای انقلابی چگونه بود؟ وضعیت موسیقی انقلابی را در حال حاضر چگونه می‌بینید؟ آیا استقبال از آن مثل گذشته است؟

از همان روزهای انقلاب می‌توانید مشاهده کنید که بسیاری از سرودهای انقلابی چگونه تبدیل به شعارهای مردم در راهپیمایی‌ها می‌شد و بالعکس چطور شعارها زمینه‌های ایجاد یک موسیقی و سرود انقلابی را فراهم می‌کرد؛ مانند مثالی که برای‌تان زدم. استقبال مردم بسیار زیاد بود هنوز هم همین‌گونه است اما نه این سرودها؛ از رسانه‌ها بویژه رسانه ملی به‌درستی

محمدجواد ظریف: ما از آمریکا تنها یک درخواست داریم و آن اینکه مزاحم تجارت بانک‌های بزرگ با ایران نشود

برجام به التماس افتاد!

■ اعتراض مجلس به روایت وزارت خارجه از روند اجرای برجام

«بانک‌های بزرگ دنیا از بازگشت به تجارت با ایران می‌ترسند! آنها از آمریکا می‌ترسند. آمریکا مانع همکاری بانک‌های بزرگ دنیا با ایران می‌شود. میانه‌روها در دولت ایران به موفقیت برجام نیاز دارند. تنها درخواست ما از آمریکا آن است که در روند بازگشت بانک‌های بزرگ دنیا ... صفحه ۲ را بخوانید.

نیویورک گلوگاه انتخابات درون‌حزبی ریاست‌جمهوری آمریکا

پرزیدنت بعدی، زیر سایه آسمانخراش‌ها

نگاه **شروین طاهری:** امروز کورس رقابت انتخابات ریاست‌جمهوری ینگه دنیا به مهم‌ترین ایستگاه میانی خود می‌رسد. حتی هستند صاحب‌نظرانی که انتخابات مقدماتی ایالت نیویورک را فینال رقبای هم‌حزبی می‌دانند. تاریخ نشان می‌دهد که چگونه نیویورک به عنوان مهم‌ترین قطب سیاسی-اجتماعی- اقتصادی ایالات متحده در ادوار گذشته ملاً باعث شد جان‌کندی پیش از آنکه به‌عنوان محبوب‌ترین رئیس‌جمهور در میان یانکی‌ها به قتل برسد، در انتخابات درون‌حزبی سال ۱۹۶۰ با فاصله‌ای بسیار اندک ۲ رقیب دموکراتش یعنی سناتور لیندون جانسون (که بعداً معاون و احتمالاً شریک ترور خود کندی شد) و سناتور استوارت سایمنگتون را پشت سر گذاشته و به‌عنوان نامزد نهایی دموکرات‌راهی مرحله نهایی انتخابات ریاست‌جمهوری شود، جایی که ریچارد نیکسون را شکست داد. جدا از آنکه نیویورک پایتخت بین‌المللی و مالی آمریکاست و همچنین بیشترین تعداد دلگیت‌ها (نمایندگان صاحب رای در کنوانسیون ۲ حزب اصلی) را پس از کالیفرنیا و تگزاس به خود اختصاص داده است، آنچه در انتخابات مقدماتی ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ اهمیت نیویورک را مضاعف و این ایالت را به داری نامزدهای جمهوری‌خواه و دموکرات بدل می‌کند این است که ۳ تن از ۴ نامزد اصلی ۲ حزب خود را به نوعی نیویورکی می‌دانند.

نخست آنکه دونالد ترامپ، میلیاردر جنجالی و نامزد پیش‌تاز جمهوری‌خواهان یک نیویورکر تمام‌عیار و بزرگ شده کوینیز، بزرگ‌ترین محله شهر است و شاید مهم‌تر اینکه او شهرت و ثروت امروزش را مدیون این شهر است. ترامپ بخش اعظمی از ثروتش را از طریق بساز و بفروشی در نیویورک به دست آورده و در میان مردم زادگاهش شخصیت شناخته‌شده‌ای است. اما برنی سندرز، نامزد شبه‌سوسیالیست ۷۴ ساله دموکرات‌ها نیز بزرگ‌شده محله کارگرنشین بروکلین است. این یهودی‌زاده سکولار لهستانی‌تبار از یک خانواده فقیر نیویورکی برخاسته و عجیب نیست که او هم مثل هم‌شهری‌اش ترامپ، بزرگ‌ترین نهاد شهر یعنی بازار سرمایه جهانی وال‌استریت را زیر سوال می‌برد. اما عجیب آنکه همانند همتای جمهوری‌خواه میلیاردر و بی‌نیازش، زیر بار اسپانسرینگ یهودی‌های سرمایه‌باز وال‌استریتی نرفته است.

هیلازی کلینتون، سناتور سابق ایالت نیویورک اگرچه اصالتاً اهل این منطقه نیست اما پیش از هر جاد در پاتوق‌های اعیانی صخره آسمانخراش‌ها یعنی محله منهتن دیده می‌شود و در عین حال سردمدار جریان نوبن فمینیستی و فرانجینیستی آمریکایی است که در این شهر پست‌مدرن ریشه‌های عمیقی دارد. فقط سر تد کروز، دومین نامزد جمهوری‌خواهان در مسکاره نیویورکی‌ها بی‌کلاه می‌ماند و جان کسبیج، نامزد سوم حزب هم که عملاً رقیبی دست‌گرمی است و هیچ بختی ندارد. اما هستند کسانی که معتقدند تد کروز، این مهره سازمان سیا اگرچه در انتخابات مقدماتی امروز زیر سایه آسمانخراش‌های نیویورک محو خواهد شد اما احتمال وجود دارد که با رانت حکومت سایه آمریکا از سایه بیرون آمده و با کمک روندهای غیردموکراتیک در سازوکار انتخابات درون‌حزبی، ترامپ را براساس آرای پدرخوانده‌گان حزب جمهوری‌خواه حذف کند.